

علل حمايت نظاميان پاكستان از تندروان مذهبي

حوادث لعل مسجد در قلب اسلام آباد نشان داد که حمايت از بنيادگراني در پاكستان، سرانجام گريبان خود پاكستان را نيز گرفت ، چنانکه در پاك سازي لعل مسجد از وجود افراط گريان اسلامي صدها تن از افراطيون با تعدادي از نيروهاي دولتي جانهاي خود را از دست دادند. و در سطح بين المللي همه جهانيان دانستند که پاكستان لانه اصلي پرورش تروريسم است و بعد از حادثه لعل مسجد بود که حملات انتحاري تندروان بر پوسته ها امنيتي و کاروانهاي نظامي پاكستان در مناطق سرحدی افزایش يافت.

در همان هنگام سنای امريکا اعلام داشت که بعد از اين کمک هاي اقتصادي آن کشور به پاكستان مربوط به عمليات اين کشور عليه تندروان اسلامي و تروريستان القاعده و طالبان خواهد بود.

نخستين علت يا انگيزه حمايت نخبه گان نظامي پاكستان از بنيادگريان اسلامي، همانا دادن هويت به مردمانی است که بنام مسلمان از دایره کفر (هندوستان) برون آمدند و به دایره اسلام درآمدند و نام اين دایره اسلام را پاكستان ، يعنی جای مردمان پاک گذاشتند . ولی پس از ايجاد اين دایره ، بزودي معلوم گرديد که سر دمدران کشور پاكستان از ناپاکترين عناصری ترکیب یافته اند که به حقوق اقوام و نژادهای داخل اين دایره اسلامي کم ترين بهائی نميدهند و آن را بدتر از دوران استعمار انگليس زیر پا می کنند و اسلام نمائی جز روپوشي بر اعمال غير اسلامي عمل و اجنتان انگليسي اين کشور چيزی بيش نيست. پاكستان تا ده سال بعد از تشکيلش نتوانست یک قانون اساسي جامع برای مردم ارائه کند و امور مدني آنکشور برويت قوانين انگليس اجرا ميشد.

علامه اقبال وقتي متوجه شد ياران مسلمان او (محمدعلي جناح، و مولانا ابوالعلاء مودودي) از اسلام به گونه غير مطلوب استفاده ميکنند، خود را از زمره رهبران آن کشور با گفتن اين بيت بدور کشيد :

تخم ديگر به کف آريم و بکاريم ز نو

کانچه کاشتيم ز خجلت نتوانيم درو

انگيزه دوم نخبه گان نظامي پاكستان در حمايت از بنيادگراني ، تربيت یک اردوی هميشه آماده جهاد با هندوستان در مرزهاي کشمير است .

انگيزه سوم، نخبه گان نظامي پاكستان، نابودي و تضعيف انديشه هاي ناسيوناليزم پشتون در ميان قبایل سرحدی بود تا مردم قبایل را بوسيله روحانيون معاشخور خود چنان مغز شويی نمايد که بجز از اسلام و تفکر جهاد با کفار به چيز ديگري نينديشند و احياناً در فکر جدائي و خودمختاري پشتونستان از پاكستان نباشند. نظاميان پاكستان با سرمايه گذاري بالای اسلاميزه کردن پشتونها ، در مدت نيم قرن گذشته از آنها یک قدرت مهيب سياسي ساخت که داعيه پشتونستان را در ميان قبایل به صفر ضرب کرد.

و چهارمين انگيزه نخبه گان نظامي پاكستان از حمايت و تقويت بنيادگراني ، کسب امتيازات پولی و مالي از کشور هاي غربي از طريق صدور تروريسم است . پاكستان تا کنون تخمين بيست ميليارد دالر بخاطر همنوايي با نيروهاي بين المللي تنها از امريکا دريافت کرده است و باز هم سالانه مبلغ یک و نيم ميليارد دالر از امريکا حق التهديد ميگيرد. رقم کمک هاي کشورهاي انگلستان و آلمان و فرانسه و اسپانيا به پاكستان به اين قلم معلوم نيست، ولی بدون شبهه از اين کشورها نيز کمک هاي مالي دريافت ميکند. تمام کشورهاي فوق الذکر بشمول هندوستان ضرب شصت افراطگريان پاكستان را برهنمائي دستگاه استخبارات نظامي آنکشور ديده اند.

نيويارک تايمز، در اوایل سپتمبر ۲۰۰۸ از قول یک مقام بازنشسته دولت پاكستان، دليل قابل توجهی برای حمايت اسلام آباد از طالبان ذکر کرده است. اين مقام بازنشسته گفته است پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، رهبران پاكستان به اين نتيجه رسيدند که زنده نگه داشتن گروه طالبان، مطمئن ترين راه برای کسب ميلياردها دلار کمک غرب است که پاكستان برای سرپا ايستادن، به آن نياز دارد. اين مقام بازنشسته پاكستاني که به شرط افشا نشدن نامش با روزنامه نگار نيويارک تايمز مصاحبه کرده، رابطه پيچيده دولت پاكستان با رهبران طالبان را به "یک بازی استراتژیک" تشبيه کرده و گفته است: "پاكستان وابسته به پول امريکاست، پولی که حاصل اين بازی با طالبان است. اقتصاد پاكستان بدون اين پول سقوط می کند."

اخيرا شبيکه پرس تي وي ، مصاحبه اي را با داکتر سيد علي واصف، استاد حقوق دانشگاه تربيتي در واشنگتن انجام داد و در پاسخ اين سوال که آیا تلاش برای کشتن زرداري در راستاي توطئه قتل بي نظير بوتو صورت گرفته است؟

داکتر واصف توضيح داد که : تروريسم مشکل اساسي پاكستان است، اما ترور در پاكستان توسط نيروهاي نظامي اين کشور انجام مي شود، نه توسط یک سازمان خارجي. اين سياست اساساً سياسي غلط است که از سه دهه پيش

تا کنون توسط نیروی نظامی پاکستان اتخاذ شده است.

نکته جالب این است که، نیروهای پاکستان به فرمان سازمان سیا آمریکا مسئول متحد کردن تروریست‌ها برای مبارزه با اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹ بودند. لذا، این امر اساساً یک مثلث سیاسی متشکل از ارتش پاکستان، گروه‌های تروریستی که عمدتاً از کشورهای عربی و عربستان سعودی بودند و سازمان سیا بود. امروز ما می‌بینیم که بازماندگان آن گروه‌های تروریستی سیاست‌های سازمان سیا و ارتش پاکستان را تغییر داده‌اند.

ارتش پاکستان هیچ کاری با اسلام ندارد؛ هیچ وابستگی ایدئولوژیکی ندارد، بلکه مهم سیاست ارتش است. ارتش پاکستان اساساً یک مافیای است؛ مافیایی که ثروت و منابع طبیعی پاکستان را غارت می‌کند و به تاراج می‌برد. باید این مسأله را دانست. بنابراین، هر آن چه که شما به اسم اسلام در پاکستان شاهد آن هستید در اساس همان ژنرال‌های ارتش هستند که افکار عمومی پاکستان را فریب می‌دهند. بعضی اوقات نیز به نام دموکراسی رژیم دموکراتیک دست‌نشانده‌ای را بر سر کار می‌آورند که امروزه حزب مردم آصف علی زرداری نمونه عینی آن رژیم دموکراتیک است.

نکته دوم این که ارتش از یک بازوی غیرنظامی در غالب احزاب سیاسی مذهبی برخوردار است. تمام احزاب سیاسی مذهبی در پاکستان اساساً به عنوان بازوی غیرنظامی ارتش خدمت می‌کنند. بنابراین، این احزاب آلت دست ارتش هستند و هیچ کاری با اسلام ندارند. من می‌توانم برای همه آن چیزهایی که می‌گویم سند بیاورم و آن‌ها را اثبات کنم. این اطلاعات در اینترنت و در روزنامه‌های پاکستان نیز وجود دارد.

از این رو، آن چه که شما برخی اوقات به شکل انفجار یا حادثه تروریستی می‌بینید، از جمله تلاش برای قتل زرداری، اساساً سیاست مشابه ارتش است که گاه پنهان است و گاه سیاستی آشکار. ارتش سعی می‌کند مخالفان خود را به قتل برساند. من فکر می‌کنم در این زمان اختلاف بر سر عملیات در وزیرستان است. من گمان می‌کنم ارتش در تلاش است تا صدای آصف زرداری را خفه کند.

در درون ارتش نیز سه جناح وجود دارد: یک جناح حامی سازمان‌های تروریستی است و با آن‌ها کاملاً در ارتباط هستند؛ سرویس اطلاعات بین‌المللی پاکستان (آی‌اس‌آی) با سازمان‌های تروریستی کاملاً در ارتباط است. گروه دوم، اکثریت خاموش است که هیچ کاری با گروه‌های تروریستی یا ژنرال‌های فاسد ندارند. سومین گروه، ژنرال‌های سکولار هستند که برخی مواقع از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند و برخی مواقع نیز موضع سکوت برمی‌گزینند.

شاید امروز مورد زرداری نیز یک زدبند داخلی بین کسانی باشد که با ژنرال‌ها و سازمان جاسوسی آی‌اس‌آی و سازمان‌های مذهبی و سیاسی که اساساً از سوی ارتش سازمان‌دهی، حمایت و تامین مالی می‌شوند. لذا، ما در پاکستان شاهد سیاست خارجی نیستیم، سیاست خارجی این کشور تنها حول محور آمریکا می‌چرخد، ما وزیر خارجه در پاکستان نداریم. از این رو، هر آن چه که شما به نام تروریسم و قتل، تیراندازی و فرقه‌گرایی شاهد آن هستید، در حقیقت سیاست رسمی ارتش پاکستان برای تضمین نفوذ خود در صحنه سیاسی پاکستان است.

پرس‌توی: پس شما معتقدید که ارتش عامل همه این مسائل در پاکستان است؟

واصف: به خاطر هسته‌ای بودن پاکستان خطر مداخله از سوی آمریکا و اسرائیل یا هند وجود دارد. زیرا پاکستان تنها قدرت هسته‌ای در میان کشورهای مسلمان است. بنابراین، این خطر قریب‌الوقوع وجود دارد. اما مسئله این است که اگر دولت پاکستان، مردم، اقتصاد و سیاست این کشور در برابر فشارهای خارجی و حملات نظامی خارجی آسیب‌پذیر است، آن‌گاه، نمی‌توان هیچ کاری انجام داد و البته خطر قریب‌الوقوع مداخله خارجی در پاکستان به نفع سازمان سیا وجود دارد. با این حال، تا زمانی که ارتش پاکستان است نیازی به هیچ دشمن خارجی وجود ندارد تا مردم پاکستان را به خاطر ایجاد فشار برای برقراری دموکراسی به جلو سوق دهد. این سیاست‌ها در واقع سیاست‌های نادرست ارتش است که علیه منافع مردم پاکستان عمل می‌کند. (ارشیف اخبار سایت آریائی)

گروه‌های مذهبی افراطی مورد حمایت ارتش پاکستان

گروه‌های جنگ طلب مذهبی در پاکستان به طور عمده پس از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) بوجود آمدند و مورد حمایت نظامی و مالی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان قرار گرفتند. و بهره‌برداری از این گروه‌ها توسط آی‌اس‌آی در افغانستان و برهند در کشمیر موجب بقا و توسعه آنها شد. بگزارش خیرگزاری فارس درحال حاضر گروه‌های مذهبی افراطی ذیل در پاکستان فعال اند عبارت می‌باشند از:

* جنبش طالبان پاکستان به رهبری بیت‌الله محسود

جنبش طالبان پاکستان پدیده‌ای جدید است. این جنبش در ۱۲ دسامبر سال ۲۰۰۷ هنگامی به وجود آمد که شورایی شامل ۴۰ نفر از رهبران ارشد گروه‌های جنگجو که حدود ۵۰ هزار مرد جنگی در اختیار داشتند در پشاور تشکیل این جنبش را اعلام کردند.

این شورا تصمیم به متحد شدن تحت یک پرچم واحد گرفت. بیت‌الله محسود از منطقه وزیرستان جنوبی به عنوان رئیس جنبش طالبان پاکستان منصوب شد در حالی که مولانا حافظ گل بهادر از منطقه وزیرستان شمالی عهده‌دار سمت نایب امیر ارشد شد و مولانا فقیر محمد از منطقه عشایری باجور به عنوان نایب امیر (معاون) منصوب شد.

بیت‌الله محسود ۳۵ ساله [بعد از مرگش حکیم الله محسود] فرماندهی یک نیرو شامل ۲۵ الی ۳۰ هزار جنگجو را به عهده دارد. سازمان‌های اطلاعاتی و رسانه‌های پاکستان این گروه را متهم میکنند که با کمک مالی و نظامی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، هند، اسرائیل و انگلیس علیه ارتش پاکستان مبارزه میکنند و مسئولیت اکثر عملیات بمب‌گذاری انتحاری را به عهده می‌گیرند. اعضای جنبش طالبان پاکستان پشتون میباشند و با طالبان پنجاب (لشکر جهنگوی) رابطه خیلی نزدیکی دارند. معمولاً پایگاه‌های این گروه در وزیرستان جنوبی در معرض حملات هوایی آمریکا قرار نمی‌گیرند و آمریکا طالبان افغان که در مناطق فاتا به ویژه که در وزیرستان شمالی پناهنده شده‌اند را مورد هدف حملات هوایی قرار میدهد. زیرا آمریکا فقط با گروه‌هایی مبارزه می‌کند که در حال مقاومت علیه حضور نیروهای خارجی در افغانستان هستند. [آمریکا این گروه را سال گذشته در لیست سیاه قرار داد و تعزیراتی بر آنها وضع نموده است.]

* جنبش اجرائی شریعت محمدی

جنبش اجرائی شریعت محمدی و یا جنبش اجرائی قوانین اسلامی به رهبری مولانا صوفی محمد یک گروه دیوبندی بوده که به سرعت در منطقه مالاکنڈ واقع در ایالت خیبرپختونخوا و در منطقه عشایری باجور که از مناطق عشایری تحت اداره دولت فدرال (فاتا) به شمار می‌رود، به عنوان یک قدرت مذهبی و سیاسی ظهور کرده است. شعار جنبش اجرائی شریعت محمدی که به عنوان یک سازمان طرفدار طالبان و القاعده شناخته می‌شود، تمامی احزاب سیاسی - مذهبی پاکستان را به این دلیل که آنها از دموکراسی غربی پیروی میکنند و طرفدار جنگ مسلحانه علیه دولت پاکستان نیستند، مردود می‌شمارد. ریاست طالبان سوات که حامی جنبش اجرائی شریعت محمدی است را مولانا فضل‌الله داماد صوفی محمد به عهده دارد که هم اکنون به صورت یک نام معروف در پاکستان درآمده است. طالبان سوات به شدت در مقابل ارتش پاکستان هنگامی که عملیات نظامی در ماه اکتبر ۲۰۰۷ جهت انهدام شبکه جنگجویان و نابودسازی زیرساخت‌ها و مقر جنبش اجرائی شریعت محمدی و ایستگاه خصوصی رادیو اف ام راه اندازی کرد، مقاومت کرده و در سال ۲۰۰۹ دولت را مجبور به قبول اجرائی قوانین اسلامی در منطقه مالاکنڈ کردند. مولانا فضل‌الله از نیروی بیش از پنج هزار نفر جنگجو در ناحیه سوات بهره می‌گیرد و در اوایل ماه می سال ۲۰۰۹ با ارتش پاکستان جنگید که باعث آواره شدن نزدیک به سه میلیون نفر از مردم در سوات و مالاکنڈ شد.

* حرکت جهاد اسلامی

حرکت جهاد اسلامی به رهبری قاری سیف‌الله اختر که قبلاً توسط بینظیر بوتو در کتاب خود (که پس از مرگ وی انتشار یافته) به عنوان مغز متفکر حمله انتحاری روز ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷ علیه کاروان استقبال کننده به وی (بینظیر بوتو) در کراچی متهم گردیده، یک گروه جهادی مستقر در پاکستان می باشد و دارای طرفدارانی در هند و بنگلادش است.

در حالی که از تاریخ دقیق تشکیل گروه مزبور اطلاعی در دست نیست، مبداء آن به جنگ با شوروی در افغانستان میرسد. گروه مزبور که قبلاً جمعیت انصار افغان نام داشت در پایان اشغال افغانستان توسط شوروی نام خود را به عنوان فعلی تغییر داد و راهبرد خود را مبارزه علیه اشغال کشمیر توسط ارتش هند عنوان کرده است. دولت هند این گروه را به دست داشتن در بمب گذاریهایی در شهرهای هند متهم میکند. در هند و بنگلادش این گروه به هوجا معروف است.

* جمعیت الانصار

جمعیت الانصار به رهبری مولانا فضل‌الرحمان خلیل، تنها سازمان جهادی پاکستان است که به سابقه روابط نزدیک با اسامه بن لادن شهرت دارد. وی برای سال‌های طولانی در مبارزات افغانستان و کشمیر تحت سرپرستی سازمان اطلاعات نیروهای مسلح پاکستان (آی اس آی) شرکت داشته است. این گروه در ابتدا با نام حرکت الانصار راه اندازی شده بود ولی بعدها که آمریکا این گروه را در ماه اکتبر ۱۹۹۷ به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کرد، نام حرکت‌المجاهدین به خود گرفت. گروه مزبور پس از اینکه رژیم ژنرال مشرف حرکت‌المجاهدین را در ماه ژانویه ۲۰۰۲ تحت فشار آمریکا ممنوع‌الفعالیت اعلام کرد مجدداً به عنوان جمعیت الانصار نامگذاری شد.

* لشکر جهنگوی به رهبری محمد اکرم لاهوری

اغلب عملیات مهم تروریستی که علیه مراکز غربی در پاکستان پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در پاکستان انجام گرفت از سوی لشکر جهنگوی که یک سازمان وابسته به مکتب فکری دیوبندی میباشد به عمل آمده است. این گروه امروزه یک گروه جنگجوی سرسخت و افراطی بوده که به جنگ علیه شیعیان و مراکز جمهوری اسلامی ایران در پاکستان نیز اصرار می‌ورزد.

لشکر جهنگوی که در سال ۱۹۹۶ به عنوان گروه دیوبندی فرقه‌گرا و جنگجو راه اندازی شده بود امروز با کمک دسته‌های انتحاری خود به صورت یک گروه تروریستی خشونت گرا درآمده است. لشکر جهنگوی توسط یک شاخه جدا شده شامل افراطیون "سپاه صحابه پاکستان" تشکیل شده است. شاخه مزبور سازمان اصلی خود سپاه صحابه را به انحراف از آرمان‌های مولانا حق نواز جهنگوی" رهبر سپاه صحابه که در ماه فوریه ۱۹۹۰ ترور شد، متهم کرد. لشکر جهنگوی در واقع توسط ریاض بسرا، راه اندازی شده بود و بعدها از سوی

اکرم لاهوری که هم اکنون به اتهام تروریسم در کراچی زندانی است، جایگزین شد. لشکر جهنگوی از اعمال تروریستی به عنوان راهبرد خود استفاده میکند تا بتواند دولت را وادار به پذیرش اعتقادات فرقه‌گرایانه خود به عنوان اصول رسمی کشور نماید. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی شیعیان را کافر و قتل آنها را واجب می‌دانند. آنها خواستار اعلام پاکستان بعنوان کشور رسمی اهل سنت هستند. علاوه بر مورد هدف قراردادن منافع آمریکایی در پاکستان، قربانیان اصلی عملیات تروریستی این گروه شامل رهبران و فعالان شیعه، مدیران دولتی، افسران ارشد پلیس و نمازگزاران شیعه و ایرانیان مقیم پاکستان بوده‌اند.

*** جیش محمد به رهبری مولانا مسعود اظهر**

جیش محمد و یا ارتش پیامبر اکرم(ص) یکی از مرگبارترین گروه‌های جنگجو در پاکستان است که ضمن فعالیت خود از خاک پاکستان، به جهاد علیه نیروهای امنیتی هند در جامو و کشمیر مبادرت می‌ورزند. این گروه توسط مولانا مسعود اظهر بنا به دستور سازمان اصلی اطلاعات پاکستان در ماه فوریه ۲۰۰۰ یعنی کمی پس از آزادی وی از زندانی در هند طی مبادله گروگان‌های موجود در داخل یک هواپیمای متعلق به شرکت هوایی هند راه اندازی شد. هواپیمای مزبور توسط پنج جنگجوی مسلح کشمیری در ماه دسامبر ۱۹۹۹ ربوده و به شهر قندهار برده شده بود. مولانا اظهر ضمن از سرگرفتن فعالیت‌های خود در پاکستان تقریباً همزمان با آزادی خود، تشکیل جیش محمد را با هدف مبارزه علیه نیروهای امنیتی هند در کشمیر را اعلام کرد. این گروه پیرو مکتب فکری دیوبند است. آخرین گزارشات حاکیست، مولانا اظهر به دنبال وقوع حملات تروریستی روز ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸ در شهر ممبای (بمبئی) مقر خود واقع در منطقه "مادل تاون" (بهاولپور) را رها ساخته و بطور موقت به پایگاه خود در منطقه وزیرستان جنوبی انتقال یافته است.

*** لشکر طیبه به رهبری حافظ محمد سعید**

لشکر طیبه که در سال ۱۹۹۱ توسط حافظ محمد سعید در ولایت کنر (افغانستان) تاسیس شده به خاطر حملات گسترده در جمو و کشمیر هند معروف است و به علت حملات انتحاری علیه قلعه سرخ و ساختمان پارلمان هند در دهلی نو شهرت جهانی پیدا کرد و به عنوان یکی از خطرناکترین گروه‌های جنگ طلب در خارج از پاکستان فعالیت دارد و مشغول مبارزه علیه نیروهای امنیتی هند در کشمیر درآمده است. این لشکر مرگبار یک گروه وهابی سلفی وابسته به اهل حدیث بوده که به عنوان شاخه مسلح مرکز دعوت‌الارشاد و یا مرکز تبلیغ مذهبی و ارشاد تشکیل شده است. گروه مزبور در سال ۱۹۸۸ توسط سه دانشور اسلامی یعنی حافظ محمد سعید و ظفر اقبال از استادان رشته مطالعات اسلامی در دانشگاه مهندسی و فناوری لاهور و دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد، تاسیس گردید. لشکر طیبه به دنبال حملات خونین شهر مومبای (بمبئی) در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸، مجدداً مطرح شد. لشکر مزبور بار دیگر در حمله ۳ مارس ۲۰۰۹ علیه تیم کریکت سریلانکا در لاهور توسط دولت مقصر شناخته شد.

حافظ سعید هم اکنون بعنوان رهبر جماعت‌الدعوة فعالیت میکند و در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۸ بخاطر فشار آمریکا توسط دولت در منزل خود در لاهور بازداشت شد و در ۱۲ خرداد سال ۱۳۸۸ به دستور دیوان عالی ایالت پنجاب آزاد شد. دولت هند نسبت به آزادی حافظ سعید به شدت اعتراض کرد.

*** حزب المجاهدین به رهبری سید صلاح‌الدین**

حزب المجاهدین به عنوان عامل اصلی جنگ طلبی جاری در جمو و کشمیر تحت کنترل هند شناخته میشود و کاملاً مورد حمایت سازمان اطلاعات ارتش پاکستان است. این گروه به رهبری مسلم یوسف شاه ملقب به پیر سید صلاح‌الدین، از سوی جماعت اسلامی پاکستان راهنمایی میشود. این گروه کاملاً وابسته به جماعت اسلامی پاکستان است و فقط علیه ارتش هند در کشمیر عملیات نظامی انجام میدهد.

پس از حمله آمریکا برافغانستان در اکتبر ۲۰۰۱، سازمان استخبارات نظامی پاکستان(آی اس آی) هنوز هم از گروه طالبان افغانستان و برخی رهبران جهادی مانند مولانا جلال‌الدین حقانی و گلبدین حکمتیار حمایت میکند و آنها در مناطق تحت نفوذ مولوی نذیر در وزیرستان جنوبی و مولوی گل بهادر در وزیرستان شمالی استقرار دارند. علاوه بر گروه‌های افراطی یاد شده شش حزب مذهبی افراطی دیگر، یعنی جمعیت‌العلمای شاخه فضل‌الرحمان، جماعت اسلامی، جمعیت اهل حدیث، جمعیت‌العلمای اسلام، حزب تنظیم اسلام و حزب اسلام زیر نام «مجلس متحد عمل» نیز هریک دارای مدرسه‌های اندک در آنها گروه‌های جنگی افراطی اتریبیت میکنند و تولیدات آنها به هند و به افغانستان برای جنگ ودهشت افگنی فرستاده میشوند.

پایان